

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۷۲

۱۲ بهمن ۱۳۹۶ / ۱ فوریه ۲۰۱۸

حقوق ما

حق آب

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: امیدرضایی، مریم دهکردی، معین خزائلی

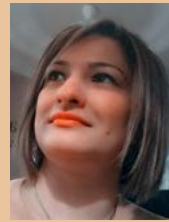
صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مساله آب و کمبودهای قانونی



آب در نظام حقوقی ایران

حقوق آب در ایران؛ قوانینی که خشکسالی می آورند



دعوای آب با همسایگان:

دعواهای سیاسی با راه حل های حقوقی



از گتوند تا هورالعظیم:

قانون شکنی های دولت های ایران در حوزه آب



کارآمد یا ناکارآمد:

نگاهی به قوانین بین المللی آب



مساله آب و کمبودهای قانونی



نعمه دوستدار

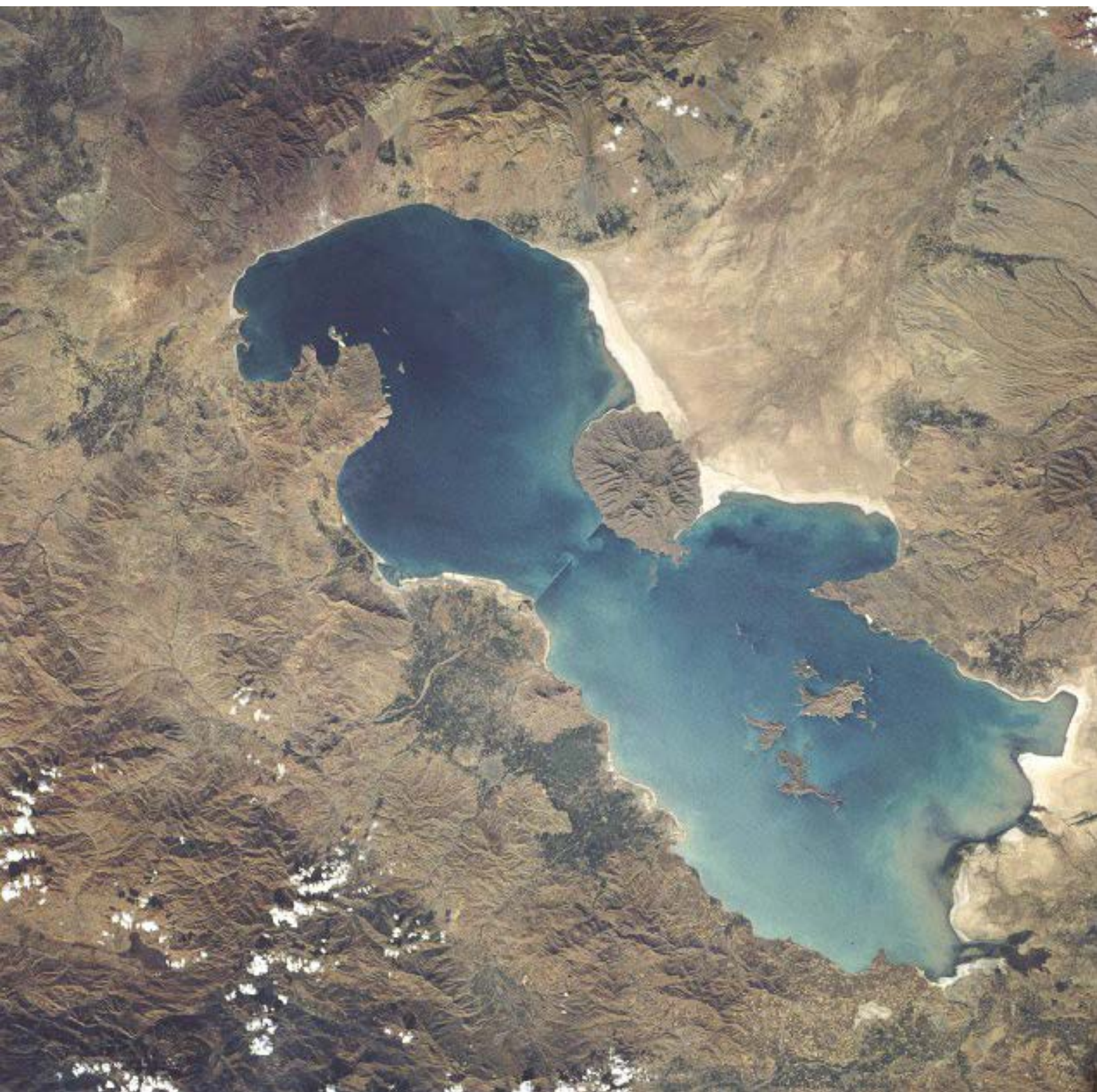
آب به عنوان محور اصلی توسعه کشورها با مسائل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پیوند خورده و ایران به عنوان کشوری خشک و کم بارش، یکی از پر چالش‌ترین سیاست‌ها را در ارتباط با آب دارد. از سوی دیگر جهان به دلیل تغییرات زیست محیطی رو به خشکی بیشتر می‌رود و هر روز از بارش در مناطق خشک کاسته و به بارش در مناطق مرطوب افزوده می‌شود. ایران را خشک‌تر از قبل می‌کند. گفته می‌شود که کمبود طبیعی آب از یک طرف، توزیع نامتوازن، اشتراکی و بی‌جایگزین بودن منابع آب در کنار مسائلی نظیر افزایش ناهمگون و بی‌جهت مصارف کم‌بازده و مصارف رو به تزاید آبی در کشورهای خاورمیانه، اقتصاد متکی به کشاورزی، سوءمدیریت در مصارف آب، تخصیص ارضی، مرزی و ایدئولوژیکی این کشورها و فقدان قوانین بین‌المللی حاکم بر آب‌های مشترک از جمله عوامل تشدیدکننده بحران آب در سال‌های اخیر هستند. به همین دلیل است که در ایران و منطقه خاورمیانه بحران آب ابعاد سیاسی و امنیتی گسترده‌ای دارد و نیاز به قانون شدن دارد. از این روست که حقوق آب اکنون به عنوان یکی از رشته‌های جدید در علم حقوق، از دهه ۴۰ هجری شمسی پدید آمده و اما عمر کوتاه آن شاید آنقدر نبوده که بتواند مسایل پیچیده جهان امروز و ایران امروز را در این زمینه حل و فصل کند. از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۷ - به روایتی - حدود ۴۶ قانون

مرتبط با آب در عرصه قانون‌گذاری تصویب شده که رویکرد آن مبتنی بر حقوق خصوصی بوده است. این رویکرد در حوزه آب، با توجه به مبانی فقهی و استمرار تاریخی عرف موجود در جامعه در موضوعاتی چون «حیات» و «حریم» منابع آب انجام گرفت. از هنگام تصویب «قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن» در سال ۱۳۴۷ دخالت دولت با توجه به ضرورت منضبط کردن جامعه متناسب با استفاده از فناوری‌ها و سازه‌های جدید برای محدودکردن حقوق خصوصی، به سرعت گسترش یافت؛ البته تلاش‌هایی شده تا به نحوی حقوق خصوصی و «مصرف معقول» یا «مصرف بهینه» در سیطره و نظارت حقوق عمومی باز تعریف و تثبیت شود، اما این تلاش‌ها تاکنون به سرانجام نرسیده و شاید بتوان گفت تا حدودی بر ابهامات آن نیز افزوده شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، در اصل ۴۵ مصادیقی از منابع آب در زمره انتقال و ثروت‌های عمومی نام برده تا در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفته و طبق مصالح عامه درباره آن عمل شود. قانون توزیع عادلانه آب، با اشاره به ماده ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصادیقی از منابع آب را با تصریح منابع آب زیرزمینی، در زمره مشترکات نام برده تا با اختیار حکومت اسلامی و طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری شود.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، حضور پررنگ‌تر و دخالت بیشتر دولت در حفاظت از منابع آب وجهه قانونی پیدا کرده و حقوق

برنامه سوم، مجموعه قانونی جدیدی به‌عنوان «قانون جامع آب» برای رسیدگی به این خلأها تهیه شود که هنوز این اتفاق نیفتاده است. در این شماره مجله حقوق ما به حقوق آب پرداخته‌ایم: با مطالبی از معین خزائلی، مریم دهکردی، امید رضایی و دنا دادبه.





آب در نظام حقوقی ایران

دنا دادبه

نیز پس از مدتی فراگیری تجربی، به دلیل عدم منابع جدید پژوهشی از صحنه خارج می‌شوند و تجربیات عملی خود را نیز با خود می‌برند.»

با وجود خلاء وجود پژوهش‌های حقوقی و به تبع آن خلاءهای قانونی در این مقاله سعی شده است سه موضوع مهم که بیشترین درصد دعاوی حقوقی آب را در نظام دادرسی ایران به خود اختصاص داده است، مورد بررسی قرار دهیم.

حفر چاه بدون مجوز

ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب مقرر می‌کند که استفاده از منابع آبهای زیرزمینی به استثنای موارد مذکور در ماده (۵) این قانون از طریق حفر هر نوع چاه و قنات و توسعه چشمه در هر منطقه از کشور با اجازه و موافقت وزارت نیرو باید انجام شود و وزارت مذکور با توجه به خصوصیات هیدروئولوژی منطقه (شناسایی طبقات زمین و آبهای زیرزمینی) و مقررات پیش بینی شده در این قانون نسبت به صدور پروانه حفر و بهره برداری اقدام می‌کند.

ماده ۵ همین قانون می‌گوید در مناطق غیرممنوعه حفر چاه و استفاده از آب آن برای مصرف خانگی، شرب و بهداشتی باغچه تا ظرفیت آبدهی ۲۵ مترمکعب در شبانه روز مجاز است و احتیاج به صدور پروانه حفر و بهره برداری ندارد ولی مراتب باید به اطلاع وزارت نیرو برسد. وزارت نیرو در موارد لازم می‌تواند از این نوع چاه‌ها به منظور بررسی آبهای منطقه و جمع آوری آمار و مصرف آن بازرسی کند.

ماده ۴۵ همین قانون اما مقرر کرده است اشخاص زیر علاوه بر اعاده وضع سابق و جبران خسارت وارده به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و یا از ۱۵ روز تا سه ماه حبس تادیبی برحسب موارد جرم به نظر حاکم شرع محکوم می‌شوند:

الف- هر کس عمداً و بدون اجازه دریچه‌ای را باز کند یا در تقسیم آب تغییری دهد یا دخالت غیرمجاز در وسایل

مطالعات حقوقی آب از سال ۱۳۴۰ در ایران آغاز شد. وزارت آب و برق، گروهی را برای تحقیق بر اساس متون فقهی و غربی تعیین کرد و این گروه حقوقدان با هدف تدوین حقوق آب در ایران، فعالیت‌های خود را پیش برد. حاصل پژوهش این گروه بعدها به عنوان پایه قوانین مربوط به آب مدنظر گرفته شد. پس از گذشت پنج سال، قانون ملی شدن آب به تصویب رسید و این رشته در نظام حقوقی ایران ایجاد شد و روز به روز گسترش پیدا کرد.

واقعیت این است که نظام قانونگذاری ایران قوانین پراکنده زیادی در خصوص آب و حقوق مربوط به آن دارد و این در حالی است که جامعه ایران هنوز با معضلات متنوعی در زمینه آب دست و پنجه نرم می‌کند. این مشکلات از تاسیس ساختمان در محل آب‌های عمومی و رودخانه‌ها گرفته تا دعاوی متعدد روستاییان بر سر چشمه و چاه روز به روز بیشتر می‌شود.

فقدان پژوهش حقوقی در زمینه آب

فاطمه س، وکیل سازمان آب ایران که از سال ۱۳۷۹ در بخش حقوقی این سازمان فعال است، معتقد است: «مشکل حقوقی آب در نظام ایران با برگزاری همایش و سمینار و میزگرد حل نمی‌شود. موضوع حقوقی آب امروزه باید به صورتی مستقل در مجموعه‌های آموزشی دانشگاهی کشور راه اندازی و اساتیدی خاص در این موضوع خاص تربیت شوند. جامعه ایران در آینده به وجود این رشته، بیشتر از بسیاری از رشته‌های متداول کنونی نیاز خواهد داشت.»

او ادامه می‌دهد: «کمبود منابع پژوهشی باعث شده تحقیقات دانشگاهی موفق نبوده یا کیفیت پژوهشی بسیار پایین باشد. از طرف دیگر نیروهای حقوقی موجود در سازمان آب ایران

یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

حریم حقوقی در آب‌های سطحی

تبصره یک، دو، سه و چهار ماده دو قانون توزیع عادلانه آب موارد زیر را در خصوص حریم حقوقی آب‌های سطحی مقرر کرده است:

- تعیین پهنای بستر و حریم آن در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی و مسیل و مرداب و برکه طبیعی آن‌ها در هر محل با توجه به آمار هیدرولوژی رودخانه‌ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آن‌ها بدون رعایت اثر ساختمان تاسیسات آبی با وزارت نیرو است.
- حریم مخازن و تاسیسات آبی و همچنین کانالهای عمومی آبرسانی، آبیاری و زهکشی اعم از سطحی و زیرزمینی به وسیله وزارت نیرو تعیین و پس از تصویب هیات وزیران قطعیت پیدا خواهد کرد.

- ایجاد هر نوع اعیانی، حفاری، دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها، نهرهای طبیعی، کانال‌های عمومی، مسیل‌ها، مرداب و برکه‌های طبیعی در حریم قانونی سواحل دریاها و

اندازه‌گیری آب کند یا به نحوی از انحاء امر بهره برداری از تاسیسات آبی را مختل کند.

ب- هر کس عمداً آبی را بدون حق یا اجازه مقامات مسئول به مجاری یا شبکه آبیاری متعلق به خود منتقل کند و یا موجب گردد که آب حق دیگری به او نرسد.

ج- هر کس عمداً به نحوی از انحاء به ضرر دیگری آبی را به هدر دهد.

د- هر کس آب حق دیگری را بدون مجوز قانونی تصرف کند. ه- هر کس بدون رعایت مقررات این قانون به حفر چاه و یا قنات و یا بهره برداری از منابع آب مبادرت کند.

ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی عنوان می‌کند هرکس به وسیله صحنه‌سازی با حفر چاه به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی‌حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی‌صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت



دریاچه ها اعم از طبیعی و یا مخزنی ممنوع است مگر با اجازه وزارت نیرو.

● وزارت نیرو در صورتی که اعیانی‌های موجود در بستر و حریم نهرها، رودخانه‌ها، کانال‌های عمومی، مسیل‌ها، مرداب و برکه های طبیعی را برای امور مربوط به آب یا برق مزاحم تشخیص دهد به مالک یا متصرف اعلام خواهد کرد که ظرف مدت معینی در تخلیه و قلع اعیانی اقدام کند و در صورت استنکاف وزارت نیرو با اجازه و نظارت دادستان یا نماینده او اقدام به تخلیه و قلع خواهد کرد. خسارات به ترتیب مقرر در موارد (۴۳) و (۴۴) این قانون تعیین و پرداخت می‌شود.

ماده پنج، شش و هفت نیز وظایف ارگان‌های دولتی را در خصوص حریم حقوقی آب‌های سطحی اینگونه برشمرده است:

● اداره‌های ثبت و اسناد و املاک مکلفند ۲۰ روز قبل از تحدید حدود املاک واقع در مجاورت رودخانه، نهر، مسیل، مرداب، برکه طبیعی، کانال‌های آبیاری آبرسانی و زهکشی، روز تحدید حدود را به شرکتهای آب منطقه ای و در داخل محدوده استحفاظی شهرها به شهرداری‌های مربوطه اطلاع دهند تا حریم مربوط را، حسب مورد تعیین و قبل از روز تحدید حدود اعلام کنند. نرسیدن پاسخ در مدت یاد شده مانع از اجرای مقررات ثبت اسناد و املاک نیست.

● وزارتخانه ها، موسسه ها، شرکتهای دولتی، شهرداری‌ها، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت مکلفند قبل از اجرای

طرحهای مربوط به وظایف خود یا صدور پروانه ساختمان یا نظایر آن حد بستر، حریم رودخانه‌ها، مسیل‌ها، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی را در داخل محدوده استحفاظی از شهرداری‌ها و در خارج از این محدوده از شرکتهای آب منطقه‌ای استعلام کنند.

مالکیت چشمه

ماده ۹۶ قانون مدنی مقرر کرده است که چشمه واقع در زمین فرد محکوم به مالکیت صاحب زمین است مگر اینکه دیگری نسبت به آن چشمه عیناً یا انتفاعاً حقی داشته باشد. ماده ۴۳ آیین نامه قانون ثبت املاک نیز می‌گوید هر گاه شش دانگ قنات یا چشمه متعلق به یک نفر است به منزله یک ملک محسوب و شماره مخصوص به آن داده می‌شود و اگر مالکین متعدد دارد باید میزان سهام هر یک، از روی ساعت و گردش شبانه روز تعیین شود.

ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب نیز عنوان کرده است که استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی از طریق حفر هر نوع چاه و قنات و توسعه چشمه در هر منطقه از کشور با اجازه و موافقت وزارت نیرو باید انجام شود و وزارت مذکور با توجه به خصوصیات هیدروژئولوژی منطقه (شناسایی طبقات زمین و آبهای زیرزمینی) و تعهدات پیش بینی شده در این قانون نسبت به صدور پروانه حفر و بهره برداری اقدام می‌کند.

حقوق آب در ایران؛ قوانینی که خشکسالی می‌آورند



معین خزائی

آب های ذخیره شده در مخازن سدهای کشور خبر از خالی بودن ۳۰ میلیارد متر مکعب از حجم این سدها داده بود. در مقابل، جدای از علل زیست محیطی ناشی از شرایط اقلیمی کمبود منابع آب در ایران، چالش‌ها و خلاءهای قانونی مربوط به حقوق آب در ایران یکی از علل اصلی بحران خشکسالی در برخی از نقاط ایران است. این مشکل به حدی است که دولت حسن روحانی را بر آن داشت تا سال گذشته با برگزاری همایشی تحت عنوان «همایش ملی حقوق آب» به دنبال یافتن راه چاره‌ای برای حل این بحران حقوقی باشد.

الهام امین زاده مشاور حسن روحانی در امور حقوق شهروندی دی ماه گذشته در همین زمینه با بیان اینکه تغییرات اقلیمی، تغییر قوانین و ایجاد قانون های جدید در حوزه آب را طلب می کند گفته بود: «از حدود دو سال پیش به این نتیجه رسیدیم که ابعاد حقوقی مسائل مربوط به آب مورد غفلت قرار گرفته و همایش‌ها و برنامه‌ها در این حوزه تنها در زمینه اقتصاد، سیاست و مهندسی آب است، بنابراین تصمیم به برگزاری همایشی با همراهی اساتید دانشگاه، بخش‌های غیردولتی و دولت در زمینه ابعاد حقوقی آب گرفتیم.»

خشکسالی‌های قانونی در ایران

تصویب و اعمال قوانین غلط و ناکارآمد، عدم توجه به اثرات طولانی مدت قوانین مقطعی، عدم وجود نگاه کارشناسانه به موضوع حقوق آب و نیز بی توجهی به نقش قوانین در مدیریت منابع آبی از علل اصلی مشکلاتی است که در ایران

خشکسالی و کم آبی در ایران معضلی تازه نبوده و این کشور به دلیل شرایط جغرافیایی و اقلیمی خود همواره به نوعی با این مشکل زیست محیطی دست و پنجه نرم کرده است. در سال های اخیر اما به دلیل گرمایش جهانی کره زمین و تغییرات اقلیمی پیش آمده و همچنین در اثر سال‌های سوء مدیریت و سیاست‌های غلط اعمال شده در زمینه سد سازی، مدیریت منابع آب و نیز بی توجهی به مسائل زیست محیطی، این بحران اشکال جدی‌تری به خود گرفته و اساساً از صورت یک بحران صرفاً زیست محیطی خارج شده و تبدیل به معضلی اجتماعی، سیاسی و امنیتی شده است.

در همین زمینه مرداد ماه امسال تقی کبیری، نماینده مردم خوی در مجلس شورای اسلامی با اشاره به بحران کم آبی در این شهر هشدار داده بود اگر این بحران برطرف نشود به یک تهدید امنیتی تبدیل خواهد شد. تیر ماه سال گذشته نیز اعتراضات مردم شهرستان بلداجی در استان چهارمحال و بختیاری در اعتراض به طرح انتقال آب در این استان با دخالت نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد و بر اساس گزارش های منتشر شده دست کم یک نفر کشته و ۳۰ تن نیز زخمی شدند.

از سوی دیگر کمبود بارش‌ها در سال اخیر خود سبب کمبود منابع ذخیره ای سدها در ایران شده است. شرکت مدیریت منابع آب در ایران اخیراً در گزارشی با بحرانی خواندن شرایط



در زمینه بحران آب وجود داشته و در نتیجه خسارت‌های جبران ناپذیری به بار آورده‌اند.

همایون حسینی، وکیل دادگستری در این زمینه معتقد است: «اساسا در ایران تا پیش از این چیزی به عنوان حقوق آب به رسمیت شناخته نمی‌شد. حتی اکنون نیز که این مساله مهم شده است اما باز هم نگاهی کارشناسانه نسبت به آن وجود ندارد.»

به گفته حسینی، نبود رشته تخصصی حقوق آب و مسائل حقوقی و قانونی مربوط به آب سبب شده این شاخه از حقوق در ایران رشد نکرده و در نتیجه تصور درستی از آن وجود نداشته باشد. او می‌گوید: «امروزه برای تمامی مسائل مربوط به انرژی و منابع طبیعی در اکثر کشورهای پیشرفته شاخه‌های تخصصی حقوقی وجود داشته و دانشکده‌های حقوق اقدام به تحقیق و آموزش در این زمینه ها می کنند.» این در حالی است که به گفته این وکیل دادگستری، اساسا بحث حقوق آب در ایران نادیده گرفته شده و قوانین تصویب شده در این حوزه نیز به جای کمک به حل مشکل خود سبب وخامت اوضاع و در مواردی بروز خشکسالی های گسترده در برخی مناطق کشور شده است.

قانون تامین منابع آبی برای جبران خسارت ناشی از خشکسالی و یا سرمازدگی مصوب ۱۳۸۳ از جمله قوانینی است که به گفته این وکیل دادگستری هدف از آن کمک به کشاورزانی بوده که در آن زمان به دلیل خشکسالی و یا سرمازدگی محصول کشت شده خود را از دست داده بودند، اما این قانون در عمل منجر به ایجاد یک بحران عظیم کمبود آب و خشک شدن منابع زیر زمینی آبی در برخی از مناطق شد. بر اساس این قانون دریافت آب بها و حق نظارت بر آب توسط دولت از کشاورزان و دامداران از آغاز سال ۸۴ ممنوع شد و کشاورزان و دیگر مصرف کنندگان عمده آب مانند دامداران و باغداران از پرداخت هرگونه هزینه ای به عنوان آب بها معاف شدند.

به گفته حسینی این قانون سبب افزایش بی رویه و سرسام آور مصرف آب و همچنین حفر چاه‌های غیرقانونی فراوانی در مناطق کشاورزی و بعضا مناطق بایر به امید ایجاد کشت و زرع شد. از سویی به دلیل حذف هزینه حق النظاره بر آب، و عدم سود اقتصادی برای آن مدیریت منابع آبی توسط دولت از بین رفت و این نهاد دیگر نظارتی بر استفاده از این منابع نداشت. در نتیجه تعداد فراوان چاه های غیر مجاز حفر شده و استفاده بی رویه از آنها سبب کمبود شدید منابع سفره‌های زیر زمینی آب شد به نحوی که در برخی مناطق باعث بروز خشکسالی و حتی از دست رفتن کشاورزی در آنها شد.

این وکیل دادگستری در مورد علت تصویب این قانون می‌گوید:

«ماده یک این قانون هدف از آن را حمایت از کشاورزان و کشاورزی عنوان کرده، حال اینکه در عمل این قانون به ضرر کشاورزی تمام شده و سبب خشکسالی زمین‌های کشاورزی و کمبود آب برای زمین‌های زیر کشت شده است.»

قانون دیگری که به اعتقاد حسینی شرایط را حتی بدتر از پیش کرد، قانونی است که در سال ۱۳۸۹ و توسط مجلس هشتم تحت عنوان قانون تعیین تکلیف چاه های غیر مجاز به تصویب رسید. بر اساس این قانون مقرر شد که تمامی چاه‌هایی که تا پایان سال ۱۳۸۵ به صورت غیرقانونی و بودن مجوز حفر شده‌اند باید از سوی وزارت نیرو به عنوان چاه قانونی و مجوز دار شناخته شده و برای آنها پروانه بهره‌برداری صادر شود. در حقیقت بر اساس این قانون نه تنها حفرکنندگان چاه‌های غیر مجاز مورد پیگیری قرار نگرفته و چاه‌های حفر شده پر نشدند، بلکه مجوزهای قانونی نیز برای آن چاه‌ها صادر شد.

حسینی در این باره می‌گوید: «این قانون در عمل موجب شد بسیاری از چاه‌های غیرمجازی که در مناطق و زمین‌های ممنوعه حفر شده‌اند پروانه دار شده و قانون شوند. این خود جدای از حمایت از قانون‌گریزی سبب شد مقابله با این چاه‌ها در دشت‌هایی که به دلیل خشکسالی و شرایط جغرافیایی حفر چاه در آنها ممنوع بوده، بسیار سخت شود چرا که این چاه‌ها

اکنون قانونی بوده و اقدام به پر کردن آنها امکان پذیر نیست.» از سوی دیگر به گفته این وکیل دادگستری این قانون در عمل ناقض قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۶۱ است. چرا که این قانون صراحتا حفر چاه‌های غیر مجاز را ممنوع دانسته و عمل حفرکنندگان را غیرقانونی و شایسته مجازات معرفی کرده است. این در حالی است که قانون مصوب سال ۸۹ نه تنها بهره برداری از چاه های حفر شده غیرمجاز را ممنوع ندانسته، بلکه اقدام به وجوب صدور پروانه نیز برای آنها کرده است.

بحران آب و ضرورت تدوین «قانون آب»

بدون تردید شرایط زیست محیطی و تغییرات اقلیمی یکی از علل عمده خشکسالی و کم آبی فزاینده در ایران است، اما در این میان توجه به چالش‌ها و خلاءهای قانونی و عوامل حقوقی این پدیده می‌تواند کمک شایانی به حل بحران خشکسالی در ایران کند.

علی فراستی، استاد دانشگاه کالیفرنیا و متخصص مسایل آب فروردین ماه سال جاری در همین زمینه با اشاره به نبود قانون جامع آب در ایران گفته بود: «برای جلوگیری از افزایش بحران آب در ایران باید قانون آب تدوین شود.»

حمید چیت چیان وزیر نیرو نیز آذر ماه سال گذشته با تاکید بر ضرورت تدوین قانون جامع آب در ایران، تعارض بین منافع اشخاص و محیط زیست، منافع نسل حاضر و آینده، منافع صنعتی و منافع سایر موارد مصرفی، منافع کشورهای دارای منابع مشترک و همچنین منافع ملی و شخصی و نبود راه کارهای قانونی برای حل این تعارضات را یکی از مشکلات اصلی بحران آب در ایران دانسته و خواستار همکاری مجلس شورای اسلامی در زمینه تدوین قانون شده بود.

همایون حسینی، وکیل دادگستری نیز در این زمینه معتقد است: «قوانین کارآمد و به روز می توانند نقشی به سزا در فراهم سازی زیر ساخت های حقوقی حقوق آب برداشته و خلاءهای قانونی این بحران را بر طرف کنند. به نظر او اما آنچه که در حال حاضر اولویت بیشتری دارد اصلاح قوانین مخرب، ناقص و ناکارآمدی است که به نوعی در ایجاد شرایط فعلی نقش داشته اند.

در عین حال اما با توجه به پروسه طویل قانونگذاری و تصویب قوانین و همچنین تعارضات فراوان قوانین مختلف در ایران آینده روشنی برای تدوین قانونی جامع در زمینه آب و حفاظت از این منبع حیات در آینده‌ای نزدیک به چشم نمی‌خورد.

دعوی آب با همسایگان: دعاهای سیاسی با راه‌حل‌های حقوقی



امید رضایی

میلیون فرصت شغلی غیرمستقیم ایجاد کند. اما اثر دیگر آن، کاهش آب دجله و فرات خواهد بود. گفته می‌شود ترکیه با این ۲۲ سد این توان را خواهد داشت که اگر اراده کند تمام آبی که وارد دجله و فرات می‌شود را خشک کند. ناصر کرمی، اقلیم‌شناس و دانشیار دانشگاه علم و صنعت نروژ در اسلو، به «حقوق ما» می‌گوید که معتقد است کاهش آب دجله و فرات نهایتاً روی کاهش آب اروندرود و خشک شدن هورالعظیم موثر است، «اما مشکل اصلی این است که این پروژه باعث خشکاندن عراق و سوریه می‌شود، یعنی منشا اصلی کانون‌های ریزگرد. پدیده ریزگرد که ما را در غرب و جنوب غرب ایران آزار می‌دهد، تا حدود زیادی به‌واسطه پروژه‌ای است که ترکیه اجرا می‌کند، توسعه این پروژه باعث گسترش این بحران خواهد شد و خیلی نگران‌کننده است. چون ممکن است برخی جاها را به صورت دائمی بخشکاند و به منشا دائمی ریزگرد تبدیل کند.»

عراق: مشکلی دوطرفه

کاهش آب اروندرود و خشک شدن هورالعظیم، مشکلاتی هستند در ایران که ریشه‌های‌شان در عراق است. اما عکس این مسئله هم وجود دارد: ایران با سدسازی روی رود زاب، بخشی از منابع آب کردستان عراق را قطع می‌کند. زاب یکی از بلندترین رودخانه‌های ایران است که از زاگرس سرچشمه

تغیر اقلیم در سراسر جهان و علاوه بر آن خشکسالی در خاورمیانه، به انبوه تنش‌های سیاسی، مذهبی و قومی این منطقه پرآشوب اضافه شده است، یا ممکن است اضافه شود. ایران هم به عنوان یکی از خشک‌ترین کشورهای منطقه که روزبه‌روز بیشتر تحت تاثیر تغییر اقلیم و خشکسالی و در پی آن کم‌آبی قرار می‌گیرد، احتمالاً یک پای این تنش‌ها خواهد بود. بحران آب خودش را از جمله در نزاع‌های حقوقی و سیاسی بر سر رودخانه‌هایی که در دو یا چند کشور جاری هستند نشان می‌دهد. ایران نیز بر سر چنین رودخانه‌هایی چالش‌هایی با همسایه‌ها، از جمله ترکیه، عراق و افغانستان دارد.

ترکیه: پروژه‌ای برای خشکاندن سوریه و عراق

هرچند ایران با ترکیه رودخانه مرزی ندارد و این باعث می‌شود به‌لحاظ ژئوپلیتیک مرز کم‌دردسری بین دو کشور باشد، اما پروژه موسوم به آناتولی جنوبی یا گاپ (Güneydoğu Anadolu Projesi: پروژه آناتولی جنوبی) در جنوب شرقی ترکیه، به یکی از مسائل مورد اختلاف دو کشور تبدیل شده است. طرح گاپ پروژه‌ای است شامل ۲۲ سد در مناطق کردنشین ترکیه با هدف توسعه این منطقه. تخمین زده می‌شود این پروژه عظیم بیش از هفت‌صدهزار فرصت شغلی مستقیم و حدود سه و نیم



می‌گیرد، از کردستان عراق عبور می‌کند و به دجله می‌ریزد. از حقیقت را می‌گویند. گذشته از آن مسائل سیاسی هم دولت ایران برای احیای دریاچه ارومیه اکنون مشغول ساختن بوده، مثلاً نقش ایران در درگیری‌های گروه‌های سیاسی در سدی بر سر رود زاب و انحراف آب آن به سمت این دریاچه افغانستان.» است. دولت خودمختار اقلیم کردستان عراق به شدت به این موضوع اعتراض کرده است. به گفته ناصر کرمی، کاری که ایران می‌کند از لحاظ اخلاقی، انسانی و زیست‌محیطی درست نیست. این پروژه همچنین دست ایران را در طرح دعوی حقوقی علیه ترکیه در مورد پروژه گاپ یا عراق در مورد دجله و فرات و ریزگردها می‌بندد. زیرا این کشورها می‌توانند مدعی شوند که ایران اقدام مشابهی در مورد رودخانه زاب انجام می‌دهد.

افغانستان: مناسباتی پیچیده

دیگر کشوری که با ایران دعوی آب دارد، افغانستان است. روابط ایران و افغانستان در طول ۴۰ سال گذشته پیچیده و البته نابرابر بوده است. ایران در طول این دهه‌ها همیشه کشوری باثبات‌تر و ثروت‌مندتر بوده و همیشه دست بالا را داشته است. ناصر کرمی، اقلیم‌شناس، اضافه می‌کند: «یک طرف مدعی است ما به شما پناه و امکان زندگی داده‌ایم، طرف دیگر می‌گوید ما در کشور شما صادقانه زحمت کشیده‌ایم و شما همیشه ما را تحقیر کرده‌اید. هر دو طرف هم بخشی

از گتوند تا هورالعظیم:

قانون شکنی‌های دولت‌های ایران در حوزه آب



مریم دهکردی

دست‌اندرکاران ساخت سد از وجود لایه‌های نمکی گچساران مطلع بودند اما بی توجه به این معضل به کار ساختن سد ادامه داده بودند. حالا آب شیرین رود کارون وقتی به پشت سد می‌رسید لایه‌های نمک را در خود حل می‌کرد، شور می‌شد و کمر می‌بست به نابودی تمام زمین‌های پایین‌دست، کشاورزی و کشت و صنعت خوزستان.

این تنها یکی از نمونه‌های قانون شکنی و بی‌توجهی دولت‌ها در حوزه آب در یکی از مناطق ایران است. سام خسروی فرد، کارشناس محیط زیست، درباره مصداق‌ها و نمونه‌های قانون شکنی دولت‌ها در حوزه آب می‌گوید: «از مهم‌ترین این قانون شکنی‌ها ساخت سدهایی است که گزارش ارزیابی نداشتند.» او اضافه می‌کند: «بعید می‌دانم که در ساختن این سد مشکل قانونی وجود داشته. موضوع مهم در این نمونه جابه‌جایی مکان سد و بی‌توجهی به مطالعات مربوط به مکان‌یابی آن بود. این مطالعات پیش از انقلاب انجام شده بود اما جدی گرفته نشدن آن باعث روی دادن این حادثه تلخ و منحصر به فرد شد و گر نه الان شاهد چنین وضعی نبودیم.»

اشاره این کارشناس محیط زیست از مطالعات مکان‌یابی پیش از انقلاب به مطالعاتی است که یک شرکت آمریکایی در سال ۱۳۵۰ انجام داد. محل پیشنهادی این شرکت به گفته عیسی کلانتری، معاون رئیس جمهوری در دولت دوازدهم و رئیس سازمان محیط زیست در این دولت، چهارده و نیم کیلومتر بالاتر از مکان فعلی بود. وزارت نیرو و پیمانکار اجرایی ساخت سد به هنگام ساخت سد، مطالعات شرکت آمریکایی را خائنانه دانسته و گفته بودند: «چرا ۱۴ و نیم کیلومتر پایین‌تر نیامده‌اند

تازه تحصیلم را در دانشگاه آغاز کرده بودم که زمزمه‌های آغاز ساخت سدی عظیم در جایی که نامش برایم پر از خاطره‌های کودکی بود به گوش رسید. «گتوند»، شهرستانی کوچک در استان خوزستان که به دو دلیل، من خیلی خوب می‌شناختمش. دلیل اول باز می‌گشت به سال‌های سیاه جنگ که ما به همراه بخش بزرگی از فامیل مادری در کانتینرهای داغ و تف دیده در اطراف آن شهرستان دورافتاده زندگی می‌کردیم از هراس موشک‌باران‌های گاه و بی‌گاه و دوم نام «قیصر امین‌پور» که در این شهرستان زاده شده بود.

چند تن از فارغ‌التحصیلان فامیل در رشته‌های مختلف و مرتبط با عمران و سدسازی موفق شده بودند در پروژه سد گتوند، شغلی به دست بیاورند و شاد و کامیاب از یافتن شغل از عظمت پروژه می‌گفتند و اینکه بناست برای مردم منطقه آبادانی و پیشرفت هدیه بیاورد.

ساختن سد بیش از ۱۵ سال به طول انجامید. از ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱. اما دریغ و درد که نه تنها آبادانی به همراه نیاورد که ساکنان منطقه را بیش از پیش در معرض سختی و دشواری برای گذران زندگی قرار داد.

این سد روی لایه‌های نمکی تبخیری گچساران بنا شد. روزنامه همشهری، ۱۰ روز پس از آبگیری سد در گزارشی نوشت که دیوار حائل ۱۲۰ سانتیمتر نشست کرده است و لایه‌های نمکی در آب پشت سد حل شده و بدین ترتیب کیفیت آب پشت این سد را به شدت کاهش داده و منجر به شور شدن آب شیرین شده است.



موضع پایین دست را نخواهد داشت. افغانستان نهایتاً از تغییر برای مسئله آب - که مسئولان جمهوری اسلامی روی آن تاکید می‌کنند، می‌گوید: «من نمی‌فهمم راه حل دیپلماتیک

یعنی چه. ما چه چیزی می‌تونیم به ترکیه بدمیم که قید

۷۰۰ هزار شغل را بزند؟ در سوریه هم که اسد فقط در دمشق

رئیس‌جمهور است. کانون ریزگرد مناطق سنی‌نشین عراق

است، جایی که ایران نفوذی ندارد. امکان همکاری علمی و

زیست‌محیطی هم کم است. آنقدر سخت و پرهزینه است که

شدنی نیست.»

او در مورد افغانستان می‌گوید: «مسئله آب ما با افغانستان

حقوقی و اقتصادی است.»

کرمی معتقد است تغییر اقلیم و خشکالی خاورمیانه و فشار و

گاه ویرانی کشورهای همسایه به صورت مستقیم روی ایران

تاثیر می‌گذارد و کشور را دچار تنش بیشتر می‌کند، هم از لحاظ

اجتماعی و هم اقتصادی و احتمالاً سیاسی. ولی بعید است که

این نزاع‌ها به سطح نظامی برسند. او در نهایت می‌گوید: «راه

حل تمام این مسائل انعقاد معاهده‌های آب است، معاهده‌هایی

که برای دو طرف سودمند باشد.»

نزاع‌هایی سیاسی و زیست‌محیطی با راه‌حل‌های حقوقی

اختلاف همسایگان بر سر آب، هرچند در درجه اول

زیست‌محیطی به نظر می‌رسد، اما قطعاً تبعات سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی و حقوقی هم دارد. در مورد ترکیه، روشن

است که ترک‌ها می‌خواهند موضوع آب دجله و فرات را به

اهرم برتری سیاسی منطقه‌ای تبدیل کنند، سوریه و عراق را

تحت فشار بگذارند و به خود وابسته کنند. به گفته کرمی

دجله و فرات رگ حیات این دو کشورند و ۵۰ درصد کشاورزی

وابسته به این دو رود است. ترکیه از طریق پروژه گاپ می‌تواند

کنترل بخشی از اقتصاد این دو کشور را در دست بگیرد و

به‌طور غیر مستقیم ایران را هم به‌خاطر تبعات زیست‌محیطی

این سدسازی‌ها تحت فشار سیاسی بگذارد. کرمی معتقد است

دعوی آب ایران با ترکیه در نهایت یک مسئله سیاسی است،

برخلاف اختلاف آبی ایران با عراق که یک مسئله حقوقی و

زیست‌محیطی است. او در مورد راه حل به‌اصطلاح دیپلماتیک



که مخزن سد از ۲/۲ میلیارد به ۴/۷ میلیارد افزایش یابد؟» حالا ۲۰ سال پس از آغاز به کار سد گتوند، تعداد زیادی از مسئولان که به هنگام ساخت سد چشم بر مشکلات همه جانبه آن بسته بودند به اظهارنظر در این باره می‌پردازند و کارشناسان محیط زیست درباره‌اش می‌نویسند. برخی از روزنامه‌نگاران هم به حقوق پایمال شده مردم منطقه اشاره می‌کنند. یکی از اهالی گتوند در گزارشی که آذرماه ۱۳۹۶ در ایران وایر منتشر شده، گفته است: «زمین‌های کشاورزی ما و روستاهای اطراف در سال ۱۳۹۰ به قیمت ۶۰۰ تا ۲۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد. شما همان روزها با ۶۰۰ تومان نمی‌توانستید یک کیک «تی تاب» بخرید و بدهید دست بچه‌تان. آن‌ها می‌خواستند ما زمین‌هایمان را بدهیم سپاه به مبلغ متری ۶۰۰ تومان.»

به گفته این شهروند ساکن گتوند؛ به علت ظالمانه بودن قیمت‌های پیشنهادی از سوی مجریان طرح بسیاری از اهالی منطقه زمین‌ها را رها کرده و از آنجا مهاجرت کرده‌اند: «خیلی‌ها رفتند روستای «ظلم آباد» که به شهرک «شهید محمدی» معروف است. یک عده هم رفتند لالی و گتوند. اما بعضی از آن‌ها برگشتند همین جا. دعوا و شکایت ما با شرکت آب و وزارت نیرو و پیمانکاری که زیر نظر قرارگاه «خاتم» بود ولی هیچ نتیجه‌ای نداشت.»

این تنها نمونه از قانون شکنی‌های دولت در حوزه آب نیست. سال‌هاست شهروندان شهرهای اهواز و اصفهان نسبت به انتقال آب از رودخانه‌هایی همچون کارون و زاینده رود تجمعات اعتراضی به راه می‌اندازند. هر بار هم با انواع و اقسام اتهامات امنیتی و غیرمرتبط با مسائل محیط زیست بازداشت می‌شوند.

سام خسروی فرد در پاسخ به این سؤال که «آیا انتقال آب به خودی خود قانون‌شکنی به حساب می‌آید یا خیر» می‌گوید: «انتقال آب از حوزه‌ای به حوزه دیگر، ریشه در تاریخ دارد؛ از سال‌های قبل از میلاد مسیح در چین و تا همین اواخر در کانادا و آمریکا و استرالیا و... هدف از این کار به خصوص در مناطق خشک، توسعه و رشد اقتصادی-اجتماعی سرزمین‌های مقصد بوده است. اما این روش پایدار نیست و مشکلاتی را هم در سرزمین‌های مقصد و هم سرزمین‌های مبدا ایجاد می‌کند: در سرزمین‌های مقصد نیاز آبی و تقاضا با رشد و شکوفایی اقتصادی، صنعتی و اجتماعی افزایش می‌یابد. این سرزمین‌ها بعد از مدتی نیاز بیشتری پیدا می‌کنند اما اگر امکان عرضه وجود نداشته باشد، با بن‌بست‌های جدی روبه‌رو می‌شوند. انتقال آب در سرزمین‌های مبدا نیز می‌تواند تنگناهایی را هم برای مردم و هم برای محیط زیست ایجاد کند. با این حال،

رودخانه‌های مذکور و انتقال آب آنها به نواحی دیگر، یا خشک شدن دریاچه ارومیه، تالاب هورالعظیم در خوزستان، دریاچه هامون در سیستان و بلوچستان، تالاب گاوخونی در اصفهان، دریاچه‌های بختگان و طشک در استان فارس و بسیاری رود و تالاب دیگر که به واسطه حفر چاه‌های غیرمجاز و برداشت بی رویه از منابع آبی و سیاست‌های نادرست دولت‌های مختلف طی سالیان گذشته رخ داده اقدام موثری صورت نگرفته است. حال این سوال پیش می‌آید که «در طول سال‌های گذشته سازمان مدیریت منابع آب آیا نظارت دقیقی بر احداث چاه‌های عمیق با میزان برداشت آب از منابع زیر زمینی برای مصارف کشاورزی یا تامین آب شرب داشته یا خیر؟» سام خسروی فرد در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «حتماً سازمان‌ها و نهادهای مسئول نظارت داشته‌اند. اما این نظارت کافی نبوده که امروز مقامات وزارت نیرو از جمله معاون وزیر می‌گویند که بیش از

قانون توزیع عادلانه آب به دولت این امکان را می‌دهد که به منظور تامین آب مورد نیاز کشور وارد عمل شود.» در ماده ۴۴ از فصل پنجم «قانون توزیع عادلانه آب» آمده است: «در صورتی که در اثر اجرای طرح‌های عمرانی و صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی و تأسیسات مربوطه یا در نتیجه استفاده از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در ناحیه یا منطقه‌ای قنوت و چاه‌ها و یا هر نوع تأسیسات بهره برداری از منابع آب متعلق به اشخاص تملک یا خسارتی بر آن وارد شود و یا در اثر اجرای طرح‌های مذکور آب قنوت و چاه‌ها و رودخانه‌ها و چشمه‌های متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی و حق‌آبه نقصان یافته و یا خشک شوند بسته به شرایطی که وجود دارد دولت موظف به جبران کمبود آب خواهد بود.»

این در حالی است که در خصوص احیا و بازگرداندن حیات به

۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز در کشور وجود دارد.» او همچنین در خصوص «نقش سازمان محیط زیست و مسئولان آن در دولت‌های پیشین تا به امروز در اجرای بحران و قانون شکنی‌ها منجر به بروز این بحران» معتقد است: «در موضوع آب و به طور کلی محیط‌زیست سازمان‌ها و نهادهای مختلفی دخیل هستند و مثلاً: وزارت نیرو، کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و... آنچه موجب بروز چنین بحران‌هایی در سطح کشور شده نخست فساد شدید است و بی‌خبری و بی‌اطلاعی بسیاری از مسئولان و دوم نادیده گرفتن قوانین طبیعی و محیط‌زیستی است. وجود پیمانکاران وابسته و ذی‌نفوذ، مثل سپاه باعث شده که میزان دخل و تصرف اکوسیستم‌های طبیعی بیش از توان و تحمل آنها باشد. در عین حال، به دلیل نداشتن یک برنامه

منسجم آمایش سرزمین، توسعه لجام‌گسیخته و سلیقه‌ای بر نابودی کشور اثر مضاعف گذاشته است.»
به گفته این کارشناس محیط زیست، «حق‌آبه» به طور خلاصه اینگونه تعریف می‌شود: «میزانی از آب که حق مصرف کننده

می‌شوند و اکوسیستم آن را تا سرحد نابودی رسانده‌اند. در دولت یازدهم، هنگامی که «معصومه ابتکار»، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست بود، بی‌آنکه اقدامی در خصوص برطرف کردن بحران هورالعظیم انجام شود، خبر از آگیری



MEHR

یا یک اکوسیستم طبیعی است. در قانون توزیع عادلانه آب و همچنین در آیین‌نامه نحوه حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌ها حقایق مصرف‌کننده و حقایق تالاب‌ها اشاره شده است. در ارتباط با اکوسیستم‌های طبیعی، میزان آب بر اساس نیاز آبی آن محیط زیستی، تعیین می‌شود. نکته مهم این است که کمیت و کیفیت آب باید به میزانی باشد که ویژگی‌های بوم‌شناختی، کارکردها و خدمات اکوسیستم‌ها (بوم‌سازگان) پایداری خود را از دست ندهند.»

با توجه به تعریف ارائه شده می‌توان به یکی دیگر از موارد قانون‌شکنی و بی‌توجهی دولت در خصوص حق آب اشاره کرد. تالاب «هورالعظیم» یکی از بزرگترین تالاب‌های کشور در استان خوزستان است. جایی که تا چند سال قبل روستاهای اطرافش را به ونیز ایران تشبیه می‌کردند. هورالعظیم در فصل بهار محلی برای جذب گردشگران به شمار می‌رفت و در سایر فصول سال محل صید ماهی برای ساکنان محلی بود. این تالاب طی چند سال گذشته به دلیل تامین نشدن حق‌آبه مورد نیاز و همچنین ورود وزارت نفت برای احداث چاه و استخراج نفت نفش به شماره افتاده است.

فعالان محیط زیستی در استان خوزستان می‌گویند پساب کشاورزی، فاضلاب شهری و روستایی به این تالاب سرازیر

۶۳ درصدی آن داد و آن را از مهمترین دستاوردهای دولت یازدهم عنوان کرد. ادعایی که به شهادت اهالی منطقه فرسنگ‌ها از واقعیت به دور بود.

از سوی دیگر وزارت نفت بی‌توجه به آن‌که این تالاب بخش بزرگی از معیشت منطقه را تامین می‌کند تنها به فکر حفاری و استخراج نفت از منابع نفتی موجود در بستر تالاب بود. بعد از خشکی تالاب هورالعظیم نیز هیچ بودجه و اعتباری برای احیای آن مصوب نشد. خشک شدن این تالاب این روزها به عنوان یکی از دلایل به وجود آمدن پدیده ریزگردها برای شهروندان خوزستان مطرح می‌شود.

فعالان محیط زیست در جای جای ایران برای برگرداندن حیات به منابع آبی تلاش می‌کنند. مقامات مسئول در هر دولت خبر از قصور مقامات دولت‌های پیشین می‌دهند و با وعده‌های شیرین از تلاش برای احیای رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و جبران مافات سخن می‌گویند. این چرخه سال‌هاست که ادامه دارد و سهم فعالان محیط زیست در اغلب تجمعات مسالمت آمیز، ضرب و شتم و بازداشت و احضار و زندان و سهم مردم هم دشوارتر شدن معیشت. در این میان آنچه تغییر نکرده، یک چیز است: قانون‌شکنی‌های دولتمردان، وعده‌ها و وعیدهای بی‌سرانجام که هرگز به مرحله عمل نرسیده‌اند.

کارآمد یا ناکارآمد: نگاهی به قوانین بین‌المللی آب



مریم دهکردی

بی‌شک و تردید باید پیش‌بینی‌ها و تحقیقات بین‌المللی صورت گرفته در موضوع آب و قوانین بین‌المللی را جدی بگیریم، چرا که «بحران منابع آب» برای مردم جهان بسیار وخیم‌تر از آن است که بتوان از کنار آن به سادگی عبور کرد. بر اساس تحقیقات موجود تا سال ۲۰۲۵ - یعنی کمتر از هفت سال دیگر- یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر از جمعیت زمین در مناطقی زندگی خواهند کرد که با «بحران کم آبی مطلق» روبه رو خواهند شد و بیش از دو سوم جمعیت زمین با شرایط «بحران متوسط و شدید کمبود آب» دست و پنجه نرم خواهند کرد.

این پیش‌بینی وقتی مقابل این خبر قرار بگیرد که «تا سال ۲۰۵۰ بحران کمبود آب در بیش از ۶۲ تا ۷۶ درصد از کل حوضه‌های آبریز دنیا گسترش خواهد یافت.» اوج بحران پیش روی بشر در سال‌های آینده را به شکل هولناکی پیش روی‌مان قرار می‌دهد.

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که وقوع جنگ در سال‌های آینده بیش از آنکه بر سر تامین منابع انرژی مثل نفت باشد، برای تامین منابع آب خواهد بود چرا که دولت‌های بسیاری در تلاشند تا سوخت‌های جدید را جایگزین سوخت‌های فسیلی نمایند.

افزایش چشمگیر مصرف و کمبود همزمان منابع آب، سبب شده بسیاری از کشورها به بهره‌برداری هر چه بیشتر از رودخانه‌های بین‌المللی و منابع آبی مشترک روی آورند. اتفاقی که در میان همسایگان ایران هم رخ داده و بر اثر

آن شاهد سدسازی بر رود هیرمند در افغانستان یا ساختن سدهای متعدد در ترکیه روی رودهای دجله و فرات هستیم. ترکیه، در حال بهره‌برداری و به زعم برخی کارشناسان در حال سوءاستفاده از منابع بالادستی آب به ویژه در رودهای دجله و فرات است. این مساله یکی از دلایل تبدیل شدن سرزمین‌های عراق و سوریه به بیابان عنوان می‌شود و حتی برخی کارشناسان از دامنه اثرگذاری آن بر هورالعظیم در ایران نیز سخن به میان می‌آورند. ایران همچنین از طرف شرق با کشور افغانستان بر سر رودخانه هریرود دچار اختلافاتی است. درست در محلی که افغانستان با کمک هند در حال سدسازی و توسعه بهره‌برداری از منابع آبی است و به تبع آن خشکسالی و ریزگرد برای استان‌های شرقی ایران به ویژه سیستان و بلوچستان به ارمغان می‌آورد.

حجت میان‌آبادی، متخصص دیپلماسی آب، کم‌توجهی ایران به مقوله مذاکره بر سر حقایق و دیپلماسی را از دلایلی می‌داند که ایران نتوانسته از حقوق خود در مورد بهره‌مندی از آب‌هایی که منشأ آن در افغانستان است دفاع کند.

از طرفی کافی است به گفته‌های عباس عراقچی معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه ایران در مراسم رونمایی کتاب خود با عنوان «دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌الملل» توجه کنیم که روشن می‌کند رویکرد ایران در چهل ساله اخیر تا چه حد از قوانین جهانی عقب‌تر مانده و تازه از سال ۱۳۸۵ در سطح وزارت امور خارجه بررسی شده است. عراقچی در این مراسم گفته است: «ما به لحاظ جغرافیایی در شرق کشور پایین دست به حساب می‌آییم و

یک بدلیل داشتن نقصان‌های اساسی مورد اختلاف در میان کشورها و دولت‌های متبوع آنها بودند. به طور مثال براساس نظریه دکترین تمامیت ارضی مطلق، «کشورهای ساحلی رودخانه‌ها نمی‌توانند تغییرات جدی را در وضع طبیعی کشور خود ایجاد نمایند. منظور، تغییراتی است که موجب اثرات منفی مهم در سایر کشورهای درگیر بشود. چرا که حاصل آن تغییرات ممکن است بر تمامیت ارضی کشورهای پایین دست اثرگذار باشد.»

دکترین تمامیت ارضی و یا حاکمیت سرزمینی محدود شده چه می‌گوید؟

براساس این نظریه، «هر کشور ساحلی حق استفاده و بهره برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خویش را دارد مشروط بر این‌که این استفاده، موجب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی کشورهای دیگر نشود.» در این نظریه، اصل «استفاده منصفانه و عاقلانه» از منابع آبی مشترک و «ممنوعیت وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی کشورهای دیگر» از اهمیت بالایی برخوردار است.

اما به طور کلی دسته بندی قوانین بین‌المللی در بهره برداری از رودخانه‌های مشترک مرزی چگونه است؟

دسته اول قوانین را معاهدات بین‌المللی در «بهره‌برداری مشترک از رودخانه مشترک برای مقاصد کشتیرانی» و دسته دوم را قوانین و معاهدات بین‌المللی در «بهره برداری مشترک از رودخانه‌های مشترک برای مقاصد غیرقابل کشتیرانی» تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که در عصر حاضر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، مهمترین مسأله سالیان اخیر بوده و هنوز بوسیله یک پیمان و یا قانون الزام آور بین‌المللی مدیریت و برنامه ریزی نشده است.

در مجامع بین‌المللی قوانین، معاهدات و قطعنامه‌های مختلفی در خصوص بهره برداری از منابع آبی مشترک تصویب شده است اما وجود ابهام در برخی مفاد این قوانین معضلی است که باعث می‌شود هیچ یک به عنوان قانون مرجع به رسمیت شناخته نشده و به فراخور شرایط از آنها استفاده شود.

سه قانون «هلسینکی»، «کنوانسیون حقوق بهره برداری از آب‌راه‌های بین‌المللی برای مقاصد کشتیرانی» و «قوانین برلین» در میان قوانین تعریف شده از اهمیت و شهرت بیشتری برخوردارند.

قانون هلسینکی: به موجب این قانون، «همه کشورهای واقع در مسیر رودخانه نسبت به بهره برداری از منابع آب حق مساوی دارند و هیچ کشوری حق استفاده از آب رودخانه را در



جدا دانست و برای این منظور توافق و قوانین بین‌المللی وضع شده در مناقشات میان کشورها بسیار مهم و قابل هستند. حال باید دید که قوانین بین‌المللی آب چه می‌گویند و دولت‌ها برای مقابله با این بحران، چه تمهیداتی اندیشیده‌اند؟ در هفتمین کنگره ملی مهندسی عمران که در دانشکده مهندسی شهید نیکبخت زاهدان در اردیبهشت ۹۲ برگزار شده بود، حجت میان آبادی، عضو گروه مدیریت منابع آب دانشگاه صنعتی «دلفت» در هلند از چهار دکترین متفاوت در حوزه آب سخن گفته است که از میان آنها تنها نظریه چهارم موسوم به «دکترین تمامیت ارضی و یا حاکمیت سرزمینی محدود شده» مورد قبول و توافق میان اغلب کشورهاست. سه نظریه «دکترین حاکمیت سرزمینی یا دکترین هارمون»، «دکترین تمامیت ارضی مطلق» و «دکترین استفاده مشترک کشورهای ساحلی از منابع آبی یک رودخانه بین‌المللی» هر

در بهره برداری از منابع آب مشترک بین‌المللی، میتواند به افزایش تنش و تضاد بین کشورهای ساحلی با مرزهای آبی مشترک منجر شود.

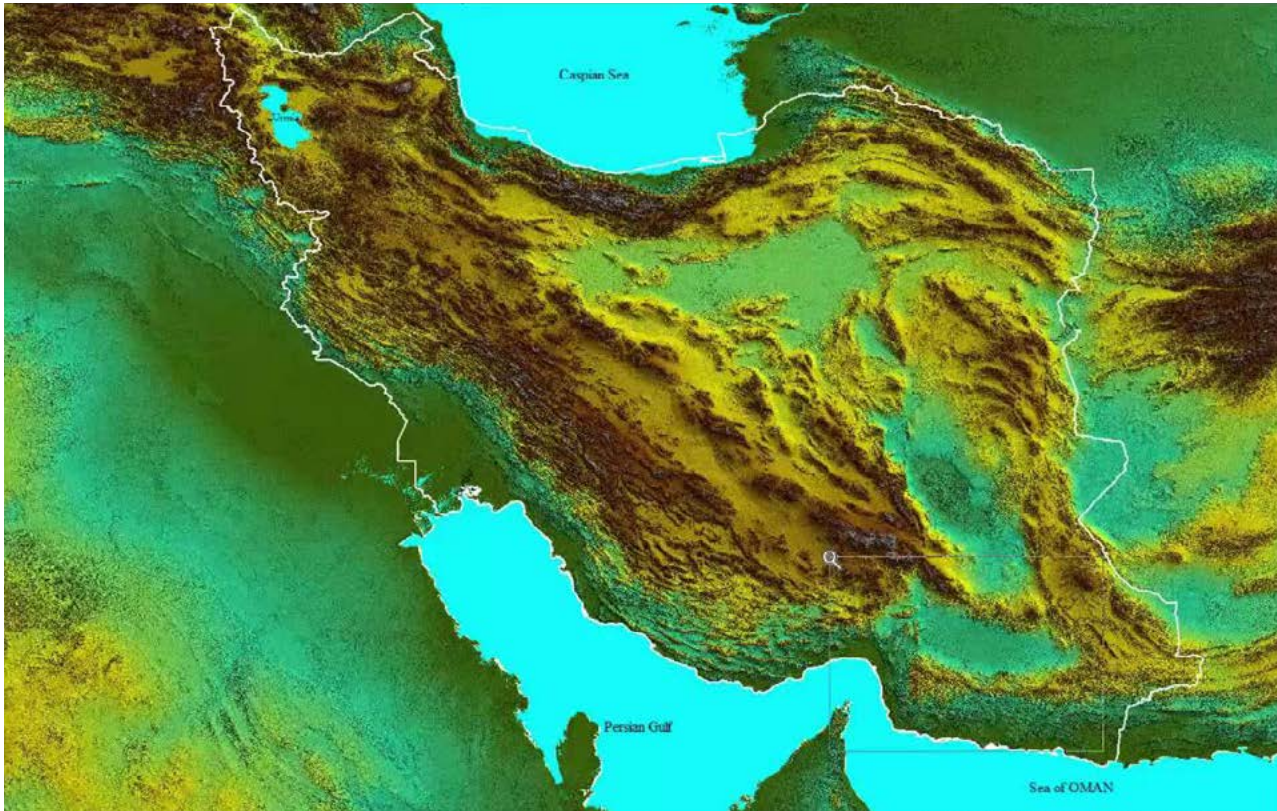
نکته جالب آن جاست که، نزدیک به سه چهارم از سطح زمین از آب تشکیل شده، اما بر اساس داده‌های اطلاعاتی موجود از ۰.۰۰۰۰۰۶ آب‌های شیرین کره زمین تنها ۰.۲۶ درصد قابل استفاده برای مصارف انسانی است اما آنچه که مسأله منابع آب را بحرانی‌تر می‌کند توزیع نامناسب این منابع بر روی زمین است چرا که بیش از ۶۰ درصد از آب‌های شیرین قابل دسترس کره زمین در ۹ کشور وجود دارد.

برزیل ۱۴.۲ درصد، روسیه ۹.۸ درصد، چین ۷.۲ درصد، کانادا ۷.۲ درصد، اندونزی ۶.۳ درصد، آمریکا ۶.۳ درصد، کلمبیا ۲۰.۸ درصد و کنگو ۲۰.۸ درصد.

از نظر جغرافیای سیاسی مباحث آب را نمی‌شود از سیاست

در غرب بالادست هستیم. در شرق کشور با کشور افغانستان در خصوص رودخانه‌های مرزی همچون هیرمند مشکل داریم و در غرب کشور هم این موضوع برعکس است. برخورد من با موضوع کمبود آب و معضل بحران آب زمانی شروع شد که حدود ۱۰ سال قبل برای نخستین بار به معاونت بین‌الملل و حقوقی وزارت امور خارجه منصوب شدم. در اداره مرزی ما موضوع آب‌های فرامرزی و رودخانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گرفت. اختلاف ما با عراق در ارون رود و قطعنامه ۱۹۷۵ و مسائل مبتلابه که هنوز هم به طور کامل حل نشده است از همان موقع به این موضوع علاقمند شدم و مجموعه اطلاعاتی را جمع‌آوری و مکتوب کردم.»

پیش‌بینی‌ها می‌گوید بحران منابع آب، یک عامل کلیدی در مناقشات بین‌المللی در منطقه غرب آسیا خواهد بود. عدم آشنایی مناسب با قوانین بین‌المللی آب و اصول مختلف



صورتی که منجر به ایجاد خسارت در سایر کشورهای ساحلی رودخانه شود را ندارد.» بعلاوه، «اگر دولتی بدون اطلاع و عدم جلب موافقت دولت‌های ساحلی دیگر، مسیر رودخانه بین‌المللی را به زیان دولتی دیگر تغییر دهد؛ مسوول کلیه اقدامات صورت گرفته بوده و اقدامات یک جانبه انجام شده توسط دولت مذکور، هیچ حقی را برای آن دولت ایجاد نخواهد کرد.»

قانون هلسینکی بر اصل «استفاده منصفانه و معقولانه از منابع آبی مشترک»، به عنوان یک اصل اساسی از قانون بین‌المللی آب تأکید کرده است.

«سهراب» یک کارشناس حوزه آب ساکن ایران می گوید: «در قانون هلسینکی معیارهای متعددی وجود دارد که برای استفاده منصفانه از حوضه آبریز مشترک میان دو یا چند کشور باید در نظر گرفته شوند. معیارهایی که از مهمترین آنها می‌توان به شرایط جغرافیایی حوضه آبریز، شرایط اقلیمی حوضه، میزان استفاده هر کشور از منابع آبی مشترک در زمان گذشته و حال، نیازهای اقتصادی و اجتماعی هر کشور و جمعیت کشور اشاره کرد.»

پیمان ۱۹۹۷ سازمان ملل: این کنوانسیون براساس اقدامات و طرح‌های انجمن حقوق بین الملل ILA به ویژه قوانین هلسینکی و همچنین برخی از فعالیتهای موسسه حقوق بین الملل IIL شکل گرفت که شامل ۶۱ ماده و هفت بخش مجزا بود. این کنوانسیون در تاریخ ۷ می سال ۱۹۹۷ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. چهار اصل کلی این پیمان که بطور گسترده ای در مدیریت آب‌های فرامرزی مورد استناد قرار گرفته اند عبارتند از:

– ماده ۲ کنوانسیون: این ماده مشابه قوانین هلسینکی، اصل «استفاده و مشارکت منصفانه و معقولانه» از منابع آبی بین‌المللی مشترک را به رسمیت شناخته و کشورها را به استفاده منصفانه و معقولانه از منابع آبی مشترک متعهد نموده است. معیارها و شاخص‌های «استفاده منصفانه و معقولانه» از منابع آبی مشترک در ماده ۶ این معاهده تشریح شده است.

– ماده ۱ کنوانسیون: این ماده مبتنی بر اصل «عدم وارد آمدن خسارت شدید به سایر کشورها» تدوین شده تا کلیه کشورهای ساحلی را از انجام اقداماتی که موجب وارد آمدن خسارت‌های شدید به سایر کشورها منع شوند.

– ماده ۷ کنوانسیون: این ماده به بررسی اصل «اطلاع رسانی قبلی» پرداخته است. براساس این اصل، اگر دولتی بخواهد طرح‌های جدیدی را در رودخانه به اجرا بگذارد و یا تغییراتی

در آن ایجاد نماید، باید قبلاً با سایر دولت‌های درگیر ماجرا مذاکره نموده و موافقت آنها را جلب نماید.

– مواد ۲۰ تا ۲۶ کنوانسیون: این مواد به اصل «حفاظت، نگهداری و مدیریت» معروف شده‌اند، به الزام حفاظت از محیط‌زیست توسط کشورهای ذی‌مدخل در رودخانه پرداخته است. در ماده ۲۰ کنوانسیون، کشورها بصورت انفرادی یا در صورت لزوم به طور مشترک، متعهد به حفظ اکوسیستم رودخانه‌های بین‌المللی شناخته شده‌اند. ماده ۲۱ کنوانسیون نیز به جلوگیری از آلودگی رودخانه‌ها تأکید داشته و کشورها را از آلوده نمودن رودخانه‌های بین‌المللی که ممکن است سبب ایجاد خسارت به سایر کشورها گردد، بر حذر داشته است.

یکی از تفاوت‌های معیارها و شاخص‌های «استفاده منصفانه و معقولانه» از منابع آبی مشترک در کنوانسیون سازمان ملل و قوانین هلسینکی آن است که در کنوانسیون سازمان ملل، مجموعه وسیع‌تری از شاخص‌ها و معیارها برای استفاده منصفانه و معقولانه در نظر گرفته شده است. البته این کنوانسیون هنوز به اجرا در نیامده است چرا که برای اجرایی شدن آن، نیاز به تصویب ۳۵ کشور دارد. از زمان تصویب این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷، این کنوانسیون تا سه سال برای امضای کشورهای عضو سازمان ملل باز بود و تا بیستم می

سال ۲۰۰۰ تنها ۱۶ کشور آن را پذیرفته و تصویب کردند. از زمان تصویب این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷، این کنوانسیون تا سه سال برای امضای اعضای سازمان ملل باز بود. با این حال، علیرغم گذشت بیش از ۱۵ سال از تصویب این قانون در مجمع عمومی سازمان ملل، تا ژانویه ۲۰۱۳ تنها ۲۹ کشور آن را تصویب کرده و پذیرفته‌اند که بیانگر روند بسیار کند پذیرش این مسأله در جامعه بین‌المللی است.

قوانین برلین مجموعه قانونی بسیار جامع و مفصلی در ۱۶ ماده بوده و به ۱۴ فصل تقسیم می‌شود و مسائل مختلف مرتبط با منابع آب را که قوانین هلسینکی و کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل در نظر نگرفته‌اند، پوشش می‌دهد. این قوانین در هفتاد و یکمین کنفرانس انجمن حقوق بین‌الملل ILA در شهر برلین در آگوست ۲۰۰۴ مورد بحث و تصویب قرار گرفت. عنوان قبلی این قوانین، که به «قوانین تجدید نظر شده انجمن حقوق بین الملل در استفاده پایدار و منصفانه در مدیریت منابع آب» معروف بودند به عنوان «قوانین برلین در مدیریت منابع آب» تغییر پیدا کرد. این قوانین برای مدیریت کلیه مسائل مدیریت منابع آب از جمله مسائل مدیریت ملی و بین‌المللی منابع آب قابل استناد و استفاده است. علاوه بر آن، این قوانین به بررسی ارتباط بین اصل «استفاده منصفانه و معقولانه» و اصل «ممنوع بودن وارد آمدن خسارت بر قلمرو

سرزمینی دولت‌های دیگر» می‌پردازد. کمبود شدید و توزیع نامناسب منابع آب، افزایش بی رویه سرانه مصرف آب، توزیع غیر یکسان بارندگی و عدم وجود جایگزین مناسب برای منابع آب سبب افزایش رقابت بر سر بهره برداری بیشتر از منابع آبی مشترک بین دو یا چند کشور شده است و همین مسأله سبب ایجاد اختلاف، تضاد و تنش‌های سیاسی و بعضاً نظامی در برخی از مناطق دنیاست. بر اساس همه آنچه گفته شد می‌توان دیالوگ ابتدای فیلم «مکس دیوانه: جاده خشم» را بهتر و عمیقتر درک کرد که «جنگ، جنگ آبه.»

پ.ن:

در تهیه این مطلب از منابع زیر بهره برداری شده است:

۱- ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان. رضا موسی زاده و مرتضی عباس زاده

2- The Harmon Doctrine one hundred years later: Buried, not praised

3- Article 5 Theories of allocation5/1/1 un water courses convention

۴- مروری بر قوانین بین المللی آب/ متن سخنرانی حجت میان آبادی در هفتمین کنگره ملی مهندسی عمران، دانشکده مهندسی شهید نیکبخت، زاهدان

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

